هو الله - ای بنده حقّ مراسله روحانی آن جناب واصل. از…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ٥٥١

### هو الله

ای بنده حقّ مراسله روحانی آن جناب واصل. از مضمون اگرچه به جهتی محزون شديم زيرا دلالت بر تأثّر و حزن آن قلب منير نمود ولی از جهتی ديگر تسلّی کامل حاصل زيرا دلالت بر آن می‌نمود که شهره آفاقی و رسوای مشتاق. يعنی به خريداری آن يوسف رحمانی مشهوری و به سرگشته و شيدائی معروف.

ای عشق منم از تو سرگشته و سودائی واندر همه عالم مشهور به شيدائی

در نـامـه مجنـونـان از نــــــــام من آغازنـــــــد زين پيش اگر بودم سردفتــــــر دانائی

باری شکر کن خدا را که به عشق او شهره آفاق شدی و به شيدائی آن دلبر بيهمتا شهير اهل اشراق. زنجيری از آن زلف مشکبار در گردن داری و بندی از آن کمند عنبرنثار در حلق. چه عزّت است اعظم از اين که رسوای عشق او هستی و جويای روی او. ملاحظه نما که آن شخص شهير چه‌ قدر نويد به شما دادی ولی بعد از حصول مقصد جليل غفلت ورزيد. رسم وفا بنهاد و رسم جفا مجری داشت. پس بدان که بغير از خداوند مهربان يار وفاداری نه. انشآءاللّه تفقّدی خواهد نمود و دل افسرده را فرحی بی‌اندازه عطا خواهد کرد. توکّل به او نما و از دون آن آزاد باش. اتّکال بر وزرا وزر است و اعتماد بر امرا ذلّت کبری. ای رفيق اين را بدان که جز خدا کسی به کار انسان نمی‌خورد. توکّل به او کن و يوم يغنی اللّه کلّاً من سعته بشارت کبری است. به آن شخص جواب مرقوم نما من يتوکّل علی اللّه فهو حسبه، انّ اللّه يکفی کلّ شیء عن کلّ شیء و لا يکفی عن اللّه ربّک من شیء. و در قرآن می‌فرمايد و من يتّق اللّه يجعل له مخرجاً و يرزقه من حيث لا يحتسب. من اميد به ربّ مجيد دارم و اوست مجير و دستگير. اين شهرت عزّت ابديّه من است و اين رسوائی کامرانی سرمدی من. جميع اولياء الهی در ايّام خويش رسوای عالم شدند ولی آن رسوائی نبود عزّت ابديّه بود، آن بدنامی نبود کامرانی جاودانی بود چنانکه حال ملاحظه می‌نمائی که کامکاران عالم به نسبتی از آن رسوائيان فخر و مباهات می‌نمايند. ميرزا آقا خان نوری صدر اسبق به واسطه شخص مورّخ نوری چون نسبت سلسله خانواده خويش را به جاريه اباصلت هروی رساند عموم آن خاندان جشن عظيم گرفتند که الحمد للّه اين دودمان سلسله نسبشان به جاريه اباصلت مهربان رسيد و اباصلت در زمان خويش رسوای عالم بود و بد نام بين امم. حال مثبوت شد که رسوائی در سبيل الهی عزّت ابديست و سلطنت سرمدی، فاعتبروا يا اولی الأبصار. اميد از عون و عنايت حقّ چنين است که او ظهير و نصير گردد و شما را از منّت هر امير و وزير مستغنی فرمايد و عليک التّحيّة و الثّنآء. ع ع